

رفتار شناسی پیامبر اسلام در مقابل مشرکین در دوران دعوت مکی

اعظم مظاهری، سهیلا ترابی فارسانی^۱

دانشجوی تاریخ اسلام، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

azam_mazaheri1978@yahoo.com

دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

stfarsani@iaun.ac.ir

چکیده:

با نزول وحی بر پیامبر اسلام، رسالت بیست و سه ساله ایشان آغاز گردید. این دوران به دو قسمت دوران دعوت مکی و دوران مدنی تقسیم می شود که هر یک دارای مختصات و ویژگی های خاص خود می باشند. دوران مکی بیشتر به امر دعوت پرداخته شده و در دوران مدنی با توجه به تعداد بیشتر گروندگان به اسلام و مهیا شدن زمینه برای ایجاد حکومت اسلامی، پایه ریزی حکومت نوپای اسلامی مورد توجه و نظر پیامبر اسلام قرار می گیرد. از سوی دیگر باید توجه داشت که رویکرد و مقابله مشرکین با پیامبر اسلام نیز در این دو دوره متفاوت بوده و از برخوردهای روانی و شخصیتی تا رویارویی و درگیری مستقیم را شامل می شود. مقابله پیامبر با این برخوردها نیز تا حدود زیادی بسته به موقعیت و شرایط ایشان و پیروان اندکشان در مکه تا آنچه در مدینه از ایشان می بینیم، متفاوت است و از مدارا و تسامح با مشرکین تا نبرد و درگیری را در بر می گیرد. در مقاله پیش رو سعی بر آن است تا به رفتار شناسی پیامبر اسلام در مقابل رویکرد مشرکین نسبت به امر دعوت و رسالت در دوران دعوت مکی پرداخته شود.

کلید واژه: رفتار شناسی، پیامبر اسلام، مشرکین، تسامح و مدارا

مقدمه

۲۷ رجب سال چهلیم عام الفیل با نزول وحی بر پیامبر(ص)، دوران بیست و سه ساله رسالت ایشان آغاز گردید. از این مدت سیزده سال آن در مکه سپری شد که به سه دوره دعوت مخفی، دعوت خویشاوندان و دعوت علنی تقسیم گردید. در این دوران مشرکان رویکردهای متفاوتی از خود بروز و نمود دادند که عکس العمل پیامبر نیز در برابر آنها مورد توجه قرار می گیرد و با توجه به مفهوم رفتار شناسی سعی بر بررسی آن داریم. در تعریف مفهوم رفتار شناسی باید گفت: هر فعالیت و عملی که موجود زنده انجام می دهد و متضمن کارهای بدنی آشکار و پنهان و اعمال فیزیولوژیک، عاطفی و فعالیت عقلی باشد که برای هر عمل خاص یا مجموعه ای از اعمال به کار می رود، رفتار شناسی نام دارد. گرچه هر حرکت یا پاسخ انسان ممکن است رفتار تلقی شود اما بسیاری ترجیح می دهند که واژه رفتار را محدود به حرکت یا پاسخ هایی کنند که مستلزم اموری در باب محیط یا موقعیت باشد (عمو عبدالهی، ۱۳۹۳، ۱). تغییرات در چگونگی کاربرد این واژه ناشی از ناهماهنگی در فرض های شناخت شناسی، طرح های مفهومی یا اندیشه ها و تصوراتی است درباره اینکه چه چیزی مهم یا بی اهمیت تلقی شود. در رویکرد مشرکان نسبت به پیامبر اسلام(ص) انواع طیف های مختلف رفتاری چون مذاکره، تطمیع، تهدید، استهزاء و تمسخر، تهمت و محاصره اقتصادی و اجتماعی را می توان دید، عکس العمل پیامبر اسلام(ص) نسبت به این طیف های رفتاری توأم با مدارا و شکیبایی و تسامح بوده و سعی بر آن بوده است تا آنان را نسبت به پذیرش اسلام ترغیب نمایند. در این مقاله سعی بر آن است تا با توجه به این طیف های رفتاری به سئوالات زیر پاسخ داده شود:

۱- چگونه پیامبر اسلام(ص) در دوران دعوت مکی به تقابل با مشرکان پرداختند؟

۲- چرا پیامبر اسلام(ص) در برابر رویکرد مشرکان مدارا و تسامح را برگزیدند؟

رویکرد مشرکان در مقابل دعوت

دعوت پنهانی پیامبر اسلام(ص) برای مدت سه سال به طول انجامید و در این مدت کسانی که از نظر روانی آمادگی لازم را برای شنیدن و درک رسالت داشتند به اسلام فرا خوانده شدند، اینان پیشاهنگان اسلام بودند که تعدادشان اندک نیز بود. در این مدت مشرکان به طور کلی از آغاز رسالت پیامبر(ص) بی خبر نبودند بلکه به گفته مورخانی چون یعقوبی هنگامی که گروهی از آنان از کنار پیامبر(ص) عبور می کردند، می گفتند: «پسر عبدالمطلب از آسمان سخن می گوید.» (یعقوبی، ۱۳۴۷، ۳۷۹). از مؤلفه های دعوت در این دوره می توان به دعوت فردی و تک به تک افراد و عدم عیب جویی و انتقاد از عقاید مکیان و حتی پرهیز از اعتراض به بت پرستی آنها اشاره نمود. در واقع در این مرحله، مشرکان از برخی مفاهیم و مضامینی که بعدها بواسطه اسلام مورد توجه قرار گرفت، بی اطلاع بودند و نمی دانستند آنچه که پیامبر(ص) از آن سخن می گوید تنها مربوط به بتها و پرستش خداوند یا مسائلی از این دست نیست بلکه اسلام ضد نظام اشرافی و مناسبات اقتصادی نا سالم آنها بر خواهد خواست. به همین دلیل گمان می کردند آنچه پیامبر(ص) می گوید سخنانی است که وی از آسمانها بر زبان می آورد، پس تنها به استهزاء و تمسخر ایشان بسنده می نمودند (الحبلی الشافعی، بی تا، ۲۸۳). با اتمام دوره دعوت مخفی که در آن مدت سی یا پنجاه نفر به اسلام گرویدند (مقدسی، ۱۹۶۲، ۱۴۶)، دعوت خویشاوندان و نزدیکان با نزول آیه ۲۱۴ سوره شعراء آغاز گردید:

در مجلس مهمانی پس از اعلام رسالت، ابولهب با گفتن اینکه پیامبر(ص) آنان را جادو کرده است، مجلس را برهم زد و در مهمانی بار دوم نیز بنی عبدالمطلب، پس از اعلام وحی و جانشین شدن علی ابن ابیطالب از سوی پیامبر(ص)، این موضوع را دستمایه تمسخر و استهزاء ایشان قرار داده و مجلس را ترک نمودند (حاکم حسکانی نیشابوری، بی تا، ۴۲۰؛ الذهبی، ۱۴۱۳، ۱۴۴). دعوت خویشاوندان که گفته می شود در کوه صفا یا مروه صورت گرفته، بیانگر یک نکته است و آن نگرانی پیامبر(ص) از عکس العمل آنان بوده است که خطاب به علی (ع) فرمودند: «سخت دلگیر و نگرانم، زیرا می دانم که چون

دعوتشان کنم اجابت نخواهند کرد و با من بد رفتاری خواهند نمود، به همین جهت خاموش ماندم ولی جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد اگر آنچه را فرمان یافته ای انجام ندهی خداوند عذابت خواهد کرد.» (زرگری نژاد، ۱۳۹۲، ۲۳۹).

این موضوع بیانگر آنست که در مراحل آغازین دعوت نگرانی پیامبر اسلام(ص) از واکنش قریش و مشرکان نسبت به مبانی دعوت و رسالتشان، به حق بوده و ایشان نیز می دانستند در این راه، مشکلات و سختی های بسیاری پیش روی دارند. در این میان خداوند با نزول آیه ۹۵ و ۹۴ سوره حجر اندکی از نگرانی ایشان کاسته و با بیان اینکه خداوند خود شرمسخره کنندگان را از پیامبر(ص) دفع می نماید، به ایشان دلگرمی برای ادامه مسیر را داده اند. با علنی شدن دعوت، پرستش خداوند و اعراض و دوری از بت پرستی و ابلاغ یکتاپرستی، از محورهای عمده تبلیغ می گردد (یعقوبی، ۱۳۴۷، ۳۸۱ - ۳۸۰؛ زرگری نژاد، ۱۳۹۲، ۲۴۲). از این پس قریش و مشرکان نسبت به رسالت پیامبر(ص) حساس تر شده و نسبت به آن واکنش های جدی تر نشان می دهند چرا که از نظر آنان پیامبر(ص) به دین آباء و اجدادی آنان و سنت های برجای مانده از پیشینیان، تاخته و این در نظام زندگی قبیله ای امری نبوده که به سادگی بتوان آن را پذیرفت، و در مذاکره با ابوطالب عموی پیامبر(ص) از او خواستند تا از پیامبر(ص) بخواهد به خدایان آنان ناسزا نگوید، دین آنها را نکوهش نکند و عقول و فهم آنان را سبک نشمرده و پدرانشان را گمراه نداند (ابن اسحاق، ۱۳۹۸، ۱۴۸؛ ابن هشام، ۱۹۸۵، ۲۶۵). مشرکان مکه با استهزاء و تمسخر پیامبر(ص) موجبات دل آزرده و دلتنگی ایشان را فراهم می ساختند و خداوند در سوره حجر آیه ۹۷ در این رابطه می فرماید: می دانیم که سینه ات از آنچه می گویند تنگ می شود. (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۲۶۷) و در ادامه در آیه ۱۱ سوره حجر آمده است «و هیچ پیامبری بر ایشان نیامد جز آنکه او را به مسخره می گرفتند.» (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۲۶۲) به این طریق خداوند به پیامبر(ص) می فرماید: این استهزاء و تمسخر هر چند موجبات ناراحتی ایشان را فراهم میسازد ولی امری طبیعی در رسالت انبیاء بوده و به پیامبر(ص) می فرماید: «به آنچه می گویند شکیبای باش و بنده توانمند ما داوود را بیاد بیاور که بسیار توبه کار بود» سپس خود به پیامبر(ص) وعده می دهد که شرّ ریشخند گران را از پیامبر بر طرف می کند. از جمله مسخره کنندگان ایشان می توان به اسود ابن مطلب، اسود ابن یغوث، ولید ابن مغیره، عاص بن وائل و حارث ابن طلطله اشاره نمود (ابن هشام، ۱۹۸۵، ۴۰۸؛ یوسفی غروی، ۱۳۸۳، ۳۵۵) یکی دیگر از نمونه های رفتاری که مشرکان در مقابل پیامبر(ص) به کار می بردند تهمت زدن به پیامبر(ص) بود که ایشان را به جنون و دیوانگی، ساحر، کاهن یا شاعر بودن و یا آموختن سخنان و مبانی دعوت از فردی غیر عربی متهم می ساختند (قرطبی، ۱۴۰۵، ۲۲۹). مقتسمین در موسم حج به راههای ورودی مکه رفته و به کسانی که وارد مکه می شدند هشدار می دادند که به سخنان پیامبر گوش فرا ندهند چرا که فریفته وی می شوند و به کسانی که راجع به ایشان سؤال می نمودند می گفتند: وی افسونگر است و سخنانش سحر انگیز است» (یوسفی غروی، ۱۳۸۳، ۳۷۱). آنان چون سخنان پیامبر درباره معاد و جهان پس از مرگ و زنده شدن مردگان را درک نمی کردند گمان می نمودند پیامبر(ص) دچار جنون و دیوانگی شده است و خداوند در قرآن می فرماید: این چیزی است که برای پیامبران پیشین نیز رخ داده است و هیچ پیامبری نیامد جز اینکه گفتند: ساحر یا دیوانه است. چون پیامبر(ص) آنها را به نفی پرستش بتان دعوت می نمود گمان می کردند وی به خداوند دروغ می بندد و خداوند مخالفتی با آنان برای پرستش بتان ندارد و خداوند در سوره مؤمنون آیه ۳۸ در این باره می فرماید: او جز مردی که بر خدا دروغ می بندد نیست و ما به او اعتقاد نداریم» (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۳۴۴) از سوی دیگر آنها از اینکه رسولی از نژاد عرب برای تذکر و پند آنان آمده متعجب شده و می گفتند او ساحری دروغگوست. (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۴۵۳، سوره ص: ۴). مشرکان همچنین سعی در تطمیع پیامبر(ص) داشتند و توسط عتبه ابن ربیع به پیامبر(ص) پیشنهاد ثروت، سروری و ریاست یا معالجه ایشان را دادند که در پاسخ آن، پیامبر(ص) آیاتی از سوره فصلت را تلاوت نمود (سهیلی، بی تا، ۴۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۰، ۶۳) و عتبه تحت تأثیر آیات قرآن به سایر اشراف گفت از پیامبر(ص) دست بردارند چرا که قرآن نه شعر است و نه کهانت و جادوگری. در واقع اشراف و بزرگان قریش نیز تحت تأثیر آیات قرآن قرار می گرفتند اما آنچه مانع از پذیرش اسلام توسط آنان می شد جهالت و لجاجت

آنها در حفظ سنن و میراث به جای مانده از آبا و اجدادشان بود و سبب می شد تا قرآن را ساختگی دانسته و آن را محصول خوابهای پریشان پیامبر، یا «اصغات احلام» (طباطبایی، بی تا، ۲۵۲) بدانند و به بهانه جویی پرداخته و بگویند چرا قرآن بر مرد بزرگی از مکه یا طائف نازل نشد یا اینکه بگویند اگر اسلام بیاوریم تنگدست می شویم و برای ما هر آنچه از پدرانمان به ارث رسیده است کافی می باشد یا اینکه چرا قرآن بر فردی مثل سائیرین که می خورد و می خوابد نازل شده و نه بر فرشته ای که چون او انسان نباشد. از سوی دیگر از پیامبر(ص) درخواست معجزه یا نازل شدن عذاب الهی بر خود را می نمودند و با بهانه جویی های خود روح پیامبر(ص) را آزوده می ساختند. درخواست نزول آیات بر خود و یا تغییر و تبدیل برخی از آیات و طرد مسلمانان فقیر از سوی پیامبر(ص) از جمله این درخواستها بود که مشرکان از پیامبر(ص) داشتند. در اقدام عملی تر علیه مسلمانان، آن ها به شکنجه و آزار و اذیت تازه مسلمانانی اقدام می نمودند که از پایگاه و حمایت قبیله ای درستی برخوردار نبودند و به راحتی توسط آنها شکنجه می شدند. شدت شکنجه ها سبب شد تا پیامبر(ص) از آنها بخواهد تا به حبشه مهاجرت کنند تا بتوانند دین خود را حفظ کنند و از این آزار و اذیتها رها شوند. با شدت یافتن عکس العمل مشرکان، ماجرای محاصره شعب ابیطالب پیش آمد که بنابر روایتی این خود ابوطالب بود که با دیدن آزار و اذیت مشرکان تصمیم به رفتن شعب را گرفته و به آنجا رفته تا امکان عملی برای مراقبت بیشتر از پیامبر(ص) را داشته باشد. بنابر نظریه دیگر قریش تصمیم گرفت تا فشارهای اقتصادی و اجتماعی را بر پیامبر(ص) اعمال نماید و به این ترتیب آن ها به همراه بنی هاشم و بنی مطلب برای سه سال از سال هفتم تا دهم بعثت در شعب ابیطالب روزگار را به سختی سپری نمودند. با اتمام محاصره و وفات ابوطالب و خدیجه همسر پیامبر وضعیت برای پیامبر(ص) در مکه دشوار تر از گذشته گردید و ایشان سعی در جلب حمایت قبایل دیگر همچون بنی عامر بن صعصعه و بنی ثقیف را گرفتند که در هر دو مورد منجر به حصول نتیجه ای نگردید و مقدمات قتل پیامبر(ص) توسط مشرکان فراهم گردید، هر چند که به خواست خداوند این امر میسر نگردید و زمینه برای هجرت پیامبر به مدینه فراهم گردید.

رفتار پیامبر اسلام(ص) در مقابل مشرکان

سیزده سال دعوت مکی برای پیامبر اسلام(ص) همراه با مصائب و مشکلات بسیاری بود که پیامبر(ص) در مقابل آنها چاره ای جز صبر ورزیدن و مدارا کردن نداشت چرا که این هم خواست خداوند متعال بود و هم تعداد اندک مسلمانان و حلقه قوی و نیرومند مشرکان امکان هیچگونه برخوردی با آنان را نمی داد. صبر پیامبر(ص) هم در امر دعوت بود و هم بر آزارهایی که توسط دشمنان بر ایشان، بستگان و تازه مسلمانان اعمال می گردید (ابو زهره ۱۴۲۵، ۴۴۴). در تعریف رفیق و مدارا باید آنرا به نرمی و ملامت کردن و به مهربانی رفتار نمودن، تعبیر نمود.

موضع پیامبر اسلام(ص) در امور دینی، اجتماعی و نظامی با دشمنان مقابله به مثل بود که این بیشتر مربوط به دوران دعوت مدنی می گردید که با تشکیل حکومت اسلامی قدرت و توان مقابله با دشمنان با اذن و اجازه جهاد که خداوند به مسلمانان داده بود، فراهم شده بود. اما در امور فردی موضع ایشان معمولاً مقابله به ضد بود یعنی ایشان نه تنها به مخالفت و مقابله بر نمی خواستند بلکه به کسی که به ایشان آزار رسانده بود، محبت کرده و انعطاف نشان می دادند و در برابر کسانی که با ایشان به مجادله و مشاجره بر می خواستند، به قرائت آیاتی از قرآن اکتفا می نمودند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳، ج ۶)، نمونه هایی از این دست رفتارهای پیامبر در سیره و تاریخ صدر اسلام به وفور قابل مشاهده است. شاید بتوان گفت این رویکرد همراه با صبر و رفیق و مدارا توسط ایشان زمینه را برای جلب قلوب مشتاقان پذیرش اسلام و تازه مسلمانان مهیا نموده و در اصلاح جامعه و روابط و مناسبات اجتماعی به عنوان سازنده و کارگر واقع می شد. در این رابطه خود ایشان می فرمایند: پروردگام مرا به مدارا با مردم فرمان داد آن سان که مرا به انجام دادن واجبات فرمان داد (ابوالفداء، ۱۴۰۰، ۱۴۲) و یا مدارا را در وزن رسالت قلمداد کرده و می فرمایند: مدارا در کنار چیزی قرار نمی گیرد مگر اینکه آن را زینت می بخشد و در تأکید لزوم

مدارا کردن پیامبران با مردم می فرمایند با جمعیت پیامبران همانطور که به بر پا کردن واجبات فرمان یافته ایم به مدارا با مردمان نیز فرمان داده شده ایم (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ۲۵). تأکید خداوند بر صبر ورزیدن در آیات قرآن مشهود بوده و در بسیاری از آیات می توان به این مهم دست یافت: در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران آمده است: ای پیامبر پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شوی، و اگر درشت خوی بودی و سخت دل، از پیرامونت پراکنده می شدند بنابر این از آنان گذشت کن و برای آنان آموزش بخواه و... (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۷۱، طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۴، ۳۱۲).

در سوره حجر آیات ۹۴ و ۹۵ خطاب به پیامبر(ص) آمده است: « پس آنچه را به آن ناموری اظهار کن و از مشرکان روی بگردان که ما شر استهزاء کنندگان را از تو بازداشته ایم» و در ادامه در آیه ۹۷ ضمن تأکید بر آگاهی خداوند از دلتنگی پیامبر(ص) از سخنان و استهزاء مشرکان از ایشان می خواهد تا برای رفع دلتنگی به این خاطر، سپاس و ستایش پروردگار را به جای آورده و از سجده کنندگان باشند». (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۲۶۷، بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ۳۸۹).

در سوره فصلت آیه ۳۴ خداوند می فرماید: « نیکی و بدی یکسان نیست بدی را با بهترین شیوه دفع کن؛ با این برخورد متین و نیک ناگاه کسی که میان تو و او دشمنی است چنان شود که گویی دوست نزدیک و صمیمی است» (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۴۸۰، سیوطی، ۱۴۰۴، ۳۶۵). زمانی که پیامبر(ص) فرمودند: درباره خودم، خاندانم و آبرویم صبر کردم ولی نسبت به بد گفتن به معبودم صبر ندارم خداوند در آیه ۳۸ و ۳۹ سوره «ق» فرمودند: « همانا آسمان ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفریدیم و هیچ رنج و درماندگی به ما نرسید، پس بر آزار مشرکان شکبیا باش و پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی». (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۵۲۰، فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ۶۴)

در سوره انعام آیات ۳۴ و ۳۳ آمده است: « آنچه را کافران و مشرکان بر ضد قرآن و تو می گویند، می دانیم که تو را غمگین می کند پس آنان تو را تکذیب نمی کنند بلکه ستمکاران آیات خدا را تکذیب می نمایند. پیامبرانی پیش از تو تکذیب شدند بر تکذیب و ایذاء قوم خود صبر کردند، برای کلمات خدا تبدیل کننده ای نیست و قطعاً بخشی از سرگذشت پیامبران به تو رسیده است.» (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۱۳۱، ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ۱۴۵). در سوره احقاف آیه ۳۵ خداوند به پیامبر(ص) توصیه می فرماید تا در نزول عذاب برای آنان شتاب نکرده و چون پیامبران اولوالعزم صبر و بردباری به خرج دهد (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۵۰۶، مراغی، بی تا، ۳۸). و در سوره یونس آیه ۱۰۹ می فرماید: «و از آنچه به سویت وحی می شود پیروی کن و در برابر پیش آمدها و تکذیب منکران شکبیا باش تا خدا میان تو و مخالفان داوری کند. او بهترین داوران است.» (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۲۲۱، قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ۱۱۷). در سوره نحل آیه ۱۲۷ آمده است: و شکیبایی کن و شکیبایی تو جز به توفیق خدا نیست و بر ضلالت و گمراهی آنان و کارهایی که انجام می دهند اندوهگین مباش و از نیرنگی که همیشه به کار می گیرند دلتنگ مشو.» (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۲۸۱، میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵، ۴۷۱).

در سوره قلم آیه ۴۸ نیز پیامبر(ص) به عدم تعجیل درخواست عذاب سفارش شده است و خداوند می فرماید: پس در برابر حکم و قضاوت پروردگارت شکبیا باش و مانند صاحب ماهی (یونس) مباش که شتاب در آمدن عذاب را برای قومش خواست و به این علت در شکم ماهی حبس شد.» (مغنیه، ۱۴۲۴، ۳۹۶). در سوره مزمل آیه ۱۰ نیز خداوند از پیامبر(ص) می خواهد بر گفتار و آزار مشرکان شکیبایی نموده و از آنان به شیوه ای پسندیده دوری نماید و تکذیب کنندگان صاحب نعمت را به خداوند واگذار نماید (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۵۷۴، سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ۲۷۶).

در آیه ۷ سوره المدثر آمده است: « بر آزار دشمنان برای پروردگارت شکیبایی ورز» (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۵۷۵، قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ۱۶). در سوره الشوری آیه ۱۵ در ابتدای آیه خداوند از پیامبر(ص) می خواهد تا آنان را به آیینی که بر ایشان وحی شده است دعوت کرده و بر این امر استقامت ورزیده و پیرو هوای نفس مردمان نباشد (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۴۸۴، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۸۵). در آیه ۳۷ سوره نحل خداوند از پیامبر(ص) می خواهد بر هدایت آنان

حریص نباشد زیرا خداوند کسانی را که به سبب تکبر و عناد شان گمراه ساخته ، هدایت نخواهد کرد و برای آنان هیچ یآوری که از گمراهی نجاتشان دهد وجود ندارد « (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۲۷۱، طبرسی ، ۱۳۶۰ ، ۲۵۳).

در آیات ۱۹۹ و ۲۰۰ سوره اعراف خداوند می فرماید : عفو و گذشت پیشه کن و به کار پسندیده فرمان ده و از نادانان روی بگردان و اگر وسوسه ای از سوی شیطان ، تو را به خشم مردم و ترک مهربانی و ملاطفت تحریک کند به خدا پناه جوی زیرا خداوند شنوا و داناست. « (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱، ۱۷۶، مکارم شیرازی ، ۱۳۷۴ ، ۶۱)

همانطور که ذکر شد در همه این آیات خداوند ضمن تأکید بر استقامت ورزیدن در امر دعوت و دلسرد نشدن ضمن حمایت از پیامبر(ص) و وعده دفع شر آزار دهندگان ایشان ، از پیامبر(ص) می خواهد درخواست نزول عذاب برای آنان را به تأخیر انداخته و در سختی ها و مرارت های پیش روی صبر پیشه نماید. این رویکرد کلی چه در دوران دعوت مکی و چه در دوران دعوت مدنی برای پیامبر(ص) در نظر گرفته شده و در آیات اشاره شده که هم از آیات نازل شده در مکه و هم در آیات نازل شده در مدینه بودند ، از ایشان خواسته شده تا در امر رسالت خود یکی از مهمترین شرایط رهبری که همانا سعه صدر و صبوری نمودن است را رعایت نمایند. تأکید بر این موضوع در دوران دعوت مدنی و در شرایطی که حکومت اسلامی تشکیل شده و در جهت مقابله با مشرکان غزوات و سرایایی صورت گرفته، نشان می دهد حتی در زمان اقتدار و داشتن قدرت و توان مقابله به مثل نمودن، از پیامبر خوساته می شود رفق و مدارا، صبر و سعه صدر را از دست نداده و تا میتواند از طریق عفو و گذشت نمودن دلها و قلوب مردم را به سوی خود و پرستش خداوند متعال جذب و جلب نماید.

نتیجه گیری

دوران سیزده ساله دعوت مکی برای پیامبر اسلام(ص) با مشقت و سختی های بسیاری همراه بود. آزار و اذیت مشرکان و اشراف قدرتمند که از تمسخر و استهزاء پیامبر تا توهین و تهمت زدن به ایشان و حتی تطمیع و تهدید فروگذار نمی کردند ، در کنار سختی امر دعوت و گرایش تعداد محدود از مردم به دین اسلام ، همگی می توانست ایشان را در ادامه مسیر خسته کرده و طاقت ایشان را تمام نماید. در این میان دعوت خداوند از پیامبر اسلام(ص) به استقامت و پایداری ورزیدن در کار دعوت و در عین حال دوری کردن از خشونت و تندی و مدارا و صبر کردن ، می توانست تا حدود زیادی ایشان را از ادامه مسیر منصرف نساخته و به امید محقق شدن وعده پیروزی از سوی خداوند به سختی ها و مصائب مسیر فائق آیند. علاوه بر صبر و مدارای پیامبر در این مدت ، به دلیل خواست و اراده خداوند که نشانه های آن را در آیات قرآن می توان دریافت، می توان به این موضوع نیز اشاره کرد که حلقه نیرومند و متحد مشرکان و اشراف مکه که برای هر گونه تغییری در ساختار اقتصادی ، سیاسی ، مذهبی و اجتماعی موضع گرفته و با آن مقابله می نمودند ، می توانست پیامبر اسلام(ص) را که از حمایت عمویش برخوردار بوده و تعداد اندک مسلمانان را با خطرات جدی مواجه سازد در حالیکه ضرورت حفظ جان آنان و عدم امکان مقابله و رویارویی با این مخالفین ، خود از دلایل مدارا و تحمل کردن آزار و اذیت های مشرکان از سوی پیامبر اسلام(ص) بود و حتی در مواقعی که این اذیت ها به حد اکثر می رسید به جای مقابله و رویارویی به یاران اندک خود فرمان هجرت و رفتن به حبشه را صادر نموده و خود نیز به همراه بنی هاشم و بنی مطلب سختی های ماندن در شعب ابطال را برای مدت سه سال به رهبری و هدایت عمومی خویش ابوطالب به جان خریدند. از سوی دیگر باید توجه نمود همین تسامح و مدارا و رفتار ایشان در جذب و جلب قلوب بسیاری از افراد به دین اسلام مؤثر افتاد.

منابع

۱. ابن اسحاق ، (۱۳۹۸ هـ) ، (السیره و المغازی) ، سهیل ذکار ، بیروت ، دارالفکر
۲. ابن هشام ، (۱۹۸۵) ، (السیره النبویه) ، مصطفی السقا و دیگران ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی
۳. ابوالفداء - اسماعیل ابن کثیر ، (۱۴۰۰ هـ) ، (التفسیر القرآن العظیم) ، بیروت ، دار الفکر
۴. ابو زهره - محمد (۱۴۲۵ هـ) ، (خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم) ، قاهره ، دار الفکر العربی
۵. بحرانی - هاشم بن سلیمان ، (۱۴۱۶ هـ) ، (البرهان فی تفسیر القرآن) ، تهران بنیاد بعثت
۶. ثعلبی نیشابوری - ابو اسحاق احمد بن ابراهیم ، (۱۴۲۲ هـ) ، (الکشف و البیان عن تفسیر القرآن) ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی
۷. الحلبي الشافعی - علی ابن برهان الدین ، (بی تا) (السیره الحلبيه و بها مئها السیره النبویه و الاثار المحمديه) لمفتی الشافعیه بمکه المشرفه ، السيد احمد زینی دحلان ، بیروت ، المكتبه الاسلامیه.
۸. حاکم حسکانی نیشابوری - عبید الله بن عبدالله بن احمد ، (بی تا) (شواهد تنزیل) محمد باقر محمودی ، بیروت ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۹. دلشاد تهرانی - مصطفی ، (۱۳۸۳) (سیره نبوی) ، تهران ، دریا
۱۰. الذهبی - شمس الدین محمد ابن احمد ، (۱۴۱۳ هـ / ۱۹۹۳ م) ، (تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام) ، تحقیق عمر عبد السلام تدمری ، بیروت ، دارالکتب العربی ، ط الثانیه
۱۱. الهی قمشه ای - مهدی ، (۱۳۸۰) ، (ترجمه قرآن) ، قم ، فاطمه الزهراء
۱۲. زرگری نژاد - غلامحسین ، (۱۳۹۲) (تاریخ صدر اسلام) تهران ، سمت
۱۳. سیوطی - عبدالرحمن ابن ابی بکر ، (۱۴۰۴ هـ) ، (الدر المنثور فی تفسیر المأثور) ، قم کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۴. طباطبایی - سید محمد حسین ، (بی تا) ، (المیزان فی تفسیر القرآن) ، قم ، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۱۵. طبرسی - فضل بن حسن ، (۱۳۶۰) ، (ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن) ، تهران ، فراهانی
۱۶. فیض کاشانی - غلامحسین ، (۱۴۱۵ هـ) ، (تفسیر الصافی) ، تهران ، الصدر
۱۷. قمی مشهدی - محمد ابن محمد رضا ، (۱۳۶۸) ، (تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب) تهران ، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد
۱۸. قرطبی - ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری ، (۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۵) ، (الجامع الاحکام القرآن) ، بیروت ، دارالاحیاء التراث العربی
۱۹. مراغی - احمد بن مصطفی ، (بی تا) ، (تفسیر المراغی) ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول
۲۰. مکارم شیرازی - ناصر ، (۱۳۷۴) ، (تفسیر نمونه) ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه
۲۱. میبیدی - احمد بن محمد ، (۱۳۷۱) ، (کشف الاسرار و عده الابرار) ، تهران ، امیر کبیر
۲۲. مغنیه - محمد جواد ، (۱۴۲۴) ، (تفسیر الکاشف) ، تهران ، دار الکتب الاسلامیه
۲۳. مقدسی - مطهر بن طاهر ، (۱۹۶۲) ، (البدء و التاريخ) ، تهران ، کتابفروشی اسدی
۲۴. یعقوبی - احمد بن ابن یعقوب ، (۱۳۴۷) ، (تاریخ یعقوبی) ، محمد ابراهیم آیتی ، تهران ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۲۵. یوسفی غروی - محمد هادی ، (۱۳۸۳) ، (تاریخ تحقیقی اسلام ، موسوعه التاريخ الاسلامی) ، حسین علی عربی ، تهران ، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ، چاپ سوم